

## طرح کنترافرنسیا و نقش آن در پیشبرد قرآن پژوهی غرب

عباس احمدوند<sup>۱</sup>

محمد رحیم بیرقی<sup>۲</sup>

### چکیده

پیش‌روی سپاهیان عثمانی در اروپای شرقی و مرکزی، بزرگان کلیسا را به ارایه راهکارها و طرح‌هایی در مقابله با خطر روزافزون عثمانی واداشت. یکی از مشهورترین این راهکارها، طرح کنترافرنسیا/کنفرانس صلح میان پیروان ادیان یا به عبارت صحیح‌تر، صلح میان مسلمانان و مسیحیان بود که از سوی خووان سگوویایی<sup>۲</sup>، کاردینال مشهور اسپانیایی، پیشنهاد گردید. این طرح اگر چه بنا بر واقعیت‌های سیاسی آن زمان صورت‌بندی نشده بود؛ اما، با این حال، تغییرات محسوسی را در عرصه‌های گوناگون قرآن پژوهی غربیان، در میانه سده پانزدهم میلادی ایجاد کرد. مقاله حاضر با استفاده از شیوه زمینه‌شناسی تاریخی به بررسی انگیزه‌ها و علل صورت‌بندی طرح کنترافرنسیا، مسایل مربوط به آن و همچنین تأثیر آن در مطالعات قرآنی غربیان می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فضای خصمانه حاکم بر اروپای آن روز نه تنها طرح کنترافرنسیا را ناکام گذارد بلکه مطالعات قرآنی این عصر را نیز دستخوش مجادلات کلامی<sup>۳</sup> نمود.

**کلیدواژه‌ها:** کنترافرنسیا؛ خووان سگوویایی؛ نیکولاس کوسایی؛ روش‌های قرآن پژوهی غربیان.

---

a\_ahmadvand@sbu.ac.ir

m\_r\_beyraghi@yahoo.com

2- Juan de Segovia

3. Polemic.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

## مقدمه

کنفرانس، به‌ویژه اگر به منظور گرد هم آوردن صاحبان عقیده و آراء گوناگون و تلاش برای رفع اختلافات عقیدتی، منعقد گردد، برای انسان معاصر بسیار قابل توجه و جذاب است. در عین حال امکان دارد این گونه به نظر برسد که در دوران های گذشته، به‌ویژه سده‌های میانه، برگزاری چنین کنفرانس هایی امری ناممکن و غیر محتمل بوده است. با این همه در هنگامه اوج روابط خصمانه مسلمانان و مسیحیان که فضایی برای بروز چنین اقداماتی ایجاد نمی کرد (سعید، ۶۰-۶۱؛ دنیل، ۲۹۱)، به‌ویژه در سده ۱۵م، از اقدامی تأثیرگذار موسوم به کنترافرنسیا (کنفرانس صلح میان مسلمانان و مسیحیان) (واژه‌ای با ریشه لاتینی مرکب از پیشوند *contra* به معنای "پیوسته"، و فعل *ferre* به معنای "ایجاد کردن") آگاه می شویم (نک: مینوی، آن را حمله مسالمت آمیز معنا می کند)؛ سعید، ۶۰؛ بلنکس، ۳۱؛ ولف، ۲۲۲). که هم تلاش برای تحقق آن، در ایام اوج حملات عثمانی ها به اروپا و سرانجام فتح قسطنطنیه (۸۵۷ق. / ۱۴۵۳م). بسیار قابل توجه است و هم اقداماتی که غربیان در پی کنترافرنسیا، در زمینه شناخت قرآن کریم صورت دادند؛ اقداماتی چون نقد ترجمه های قرآنی عصر جنگهای صلیبی، ارایه ترجمه های جدید، تلاش برای فراهم آوردن امکان گفتگوی مسلمانان و مسیحیان و مطالعات قرآنی با عنایت خاص به مطالب قرآن کریم در باب مسیح و مسیحیت. بدیهی است که در این اقدامات شاهد همدلی و درک بیشتری نسبت به اقدامات قرون گذشته غربیان هستیم (نک: ولف، جلد ۳)

(see: wolf, iii) در این پژوهش به زمینه ها و مراحل پیدایی کنترافرنسیا، افراد موثر در طرح، اقدامات ایشان، مطالعات قرآنی غربیان در اثر کنترافرنسیا و علل عدم توفیق همگانی این طرح در اروپا خواهیم پرداخت.

### ۱- عثمانی ها در خاک اروپا

عثمانی ها یکی از معدود دولتهای مسلمانی بودند که موفق به فتوحات خارق العاده و دامنگیری در اروپای شرقی و مرکزی شدند. آنان از نیمه سده پانزدهم میلادی به بعد، پیوسته در اروپا پیشروی می کردند، سلطان مراد دوم در اواخر حکومت خویش در بالکان توفیقاتی یافت. (مینوی، ۷۸ و نیز: ترنبل، ۳۵-۳۶) پس از او، سلطان محمد فاتح (۸۵۵-۸۸۶ ق. / ۱۴۵۱-۱۴۸۱م) اقدامات نظامی سلف خویش را پی گرفت و سرانجام موفق شد در (۸۵۷ق. / ۱۴۵۳م) قسطنطنیه، پایتخت روم شرقی را بگشاید. (ترنبل، ۳۸-۷۰ تصاویر صفحات ۳۸-۳۹؛ ولف، همانجا؛ گافمن، همانجا) دامنه فتوحات عثمانی ها گسترش یافت به گونه ای که حتی در زمان سلطان سلیمان قانونی، وین دو مرتبه محاصره گردید و اتریش در آستانه سقوط کامل قرار گرفت (مینوی، ۸۹؛ برای بحث اتحاد فرانسه و عثمانی بر ضد دولت آلمان نک: ولف، همانجا؛ برای

نمونه: گافمن، ۱۱۰) از این رو، اروپاییان، به ویژه رهبران مذهبی ایشان، از پیشروی های ترکان مسلمان، سخت به وحشت افتاده، در جستجوی راهی برای جلوگیری از تداوم و گسترش آن برآمدند.

## ۲- واکنش های اروپاییان نسبت به پیشروی عثمانی ها

به رغم آن که قرآن کریم مسیحیان را «نزدیکترین ایشان از نظر دوستی به کسانی که ایمان آورده اند» («اقر بهم مودة للذین آمنوا»، (المائده، ۸۲)؛ مراد این آیه در قیاس با یهود و مشرکان است). خواننده است، آنان در آستانه ظهور اسلام، به شکلی منظم با دین اسلام و مسلمانان به ستیزه برخاستند. (اسعدی، «یوحناي دمشقی و آغاز مجادلات میان اسلام و مسیحیت» ، ص: ۶۳-۶۵). علاوه بر این، فتوحات اسلامی و حملات عثمانی ها به اروپا نیز ایشان را بیمناک ساخت. (واردنبرگ، ۷۳۵؛ دنیل، ۳۰۷). از این رو، مارتین لوتر، رهبر پروتستانتیزم و نهضت اصلاح دینی اروپا، زمینه چاپ ترجمه مغلوط رابرت کتونی را از قرآن کریم (نک. ادامه نوشتار)، در شهر بال فراهم آورد. (اسعدی، ۹۸) و شروع به مطالعه ردیه معروف مونته کروچه<sup>۱</sup> بر قرآن کریم نمود و حتی آن را به لاتین ترجمه کرد. (اسعدی، ۹۷) با این که در دوران لوتر دانشگاه ها در حال شکوفایی بود و رشد دامنگیر پروتستانتیزم، اومانیزم و مطالعات فرهنگی، رنسانس، اختراع چاپ و رونق اقتصادی، بر انتظار برخورد عاقلانه با اسلام و تحفیف و تعدیل نگرش خصمانه غربیان می افزود. (اسعدی، ۹۳-۹۶). لوتر ذیلی را نیز به منظور تکمیل ردیه مونته کروچه، بر آن نگاشت و آشکارا اعلام کرد «امکان ندارد مسأله اختلاف مسلمان و عیسوی را از راه سیاست و فرهنگ حل کرد». (سعید، ۶۱؛ اسعدی، ۹۷).

بدین ترتیب و برخلاف انتظار، برای متفکرین جدی اروپا مسلم شد که «باید درباره اسلام کاری کرد» (سعید، همانجا) بدین منظور دو راهکار اساسی در مقابله با عثمانی ها اتخاذ گردید؛ یکی احیای جنگ های صلیبی که با توجه به فضای غالب اروپا و بیم فراوان اروپاییان از عثمانی، بسیار غلبه داشت. (مینوی، ۸۵؛ سعید، همان؛ کروز، ۷۰؛ ولف، همان). افرادی چون دنیس فان لیوون<sup>۲</sup>، ژان تورکه مادایی<sup>۳</sup>، آلفونسو<sup>۴</sup> و ژان ژرمن<sup>۵</sup> اسقف شالن بر آن بودند که در مقابله با عثمانی گام بردارند و زمینه نبردی تازه را فراهم آورد (دنیل، همان) راهکار دوم آن بود که از طریق وعظ، تبلیغ و نفوذ تدریجی (مینوی، ۷۸؛ کروز، همان). به برگزاری کنفرانس صلح و گفتگوی (کنترافرنسیا) میان شخصیت های بزرگ مسلمان و مسیحی پرداخته، این کنفرانس صلح را به مثابه ابزاری با کارکرد سیاسی - مذهبی جهت مسیحی سازی مسلمانان مورد استفاده قرار دهند (سعید، همان؛ واردنبرگ، ۷۳۵؛ کروز، همان؛ نک: بلنکس، ۳۱؛ ولف، همان)

1. Riccoldo da Monte di Croce
2. Denys van leewen.
3. John of Torquemada.
4. Alfonso.
5. Jean German.

### ۳- خنوان سگوییایی و صورت بندی طرح کتترافرنسیا

در میان افرادی که کم و بیش در اروپای سده پانزدهم صاحب نفوذ و رأی بودند و از سوی دیگر اسلام مسأله جدی آنان بود، به چند عالم مسیحی شهیر و تأثیرگذار از جمله خنوان سگوییایی (حدود ۸۰۲ - ۱۶۲ق / ۱۴۰۰ - ۱۴۵۸م)، نیکولاس کوسایی<sup>۱</sup> (۸۰۲ - ۱۶۸ق / ۱۴۰۰ - ۱۴۶۴م)، ژان ژرمن و پاپ پیوس دوم<sup>۲</sup> (۸۰۷ - ۱۶۸ق / ۱۴۰۵ - ۱۴۶۴م) برمی خوریم. این افراد کسانی هستند که نام آنان در جریان شکل گیری طرح «کتترافرنسیا» ذکر گردیده و خنوان، بانی اصلی طرح با آنان مکاتباتی داشته است. (دنیل، همان؛ بلنکس، همان؛ احمدوند، ۴؛ واردنبرگ، همان؛ ولف، همان). البته با این که ژان ژرمن نحوه برخورد دیگری با ایده خنوان داشت (نک: ادامه نوشتار)، اما وجود شباهت هایی چند میان این عده، خنوان را بر آن داشت، با بقیه مکاتباتی را به عمل آورد. خنوان پیش از این به همراه دو تن دیگر در شورای بال و نیز شورای ماینز (برای تعیین پاپ جدید) شرکت داشت و ضمن آشنایی، از توجه ایشان به مسأله اسلام کاملاً مطلع بود. (هربرمان، ۱۹۹۷: جلد ۷، "خنوان سگوییایی"؛ ۱۱، نیکولاس کوسایی<sup>۱۲</sup>، پاپ پیوس<sup>۲</sup>؛ ولف، ۱۳۷-۱۷۷) با تکیه بر این سابقه بود که خنوان طرح خود را در قالب «کتترافرنسیا= کنفرانس» و با کلماتی صلح جویانه که به گفته ادوارد سعید، امروزه آتش به سینه ها می زند، مطرح کرد. (نک: سعید، همان؛ بلنکس، همان).

خنوان آلفونسودی سگوویا کاردینال اسپانیایی و استاد دانشگاه سالامانکا بود (هربرمان، مدخل؛ دنیل، همان؛ بلنکس، همان) که پیش از همه به جنبش افتاد و با استفاده از شیوه مکاتبه به مثابه ابزار ارتباط، سه تن دیگر را در جریان آرا و نظرات خویش نهاد (همان) سال ها به طول انجامیده بود تا خنوان بدین آرا برسد؛ وی که در ایام تحصیل به آموزش زبان عربی نیز پرداخته بود، از همان اوان تحصیل به مسأله اسلام فکر می کرد (ولف، ص ۹۶ و ۱۰۳) و با داشتن تجربه طولانی در زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان و مسیحیان اسپانیا (هنری، ۱۴) و تأثیر از افرادی چون مندویل<sup>۳</sup>، سیاح فرانسوی (که آراء ملایمی نسبت به مسلمانان داشت) و ریموندلول<sup>۴</sup> و (ولف، ص ۹۶، ۱۸۳، ۱۹۹ - ۲۰۰؛ هنری، همان) اینک در اواخر عمر مسأله روابط مسلمانان و مسیحیان برایش اهمیتی تمام یافته بود. (ولف، ۱۷۴) تا آنجا که پیوسته به مسیحیان توصیه می کرد نسبت به اسلام آگاهی کسب کنند و خود نیز مباحثاتی را میان مسلمانان و مسیحیان اسپانیا سامان می داد. (هنری، همان)

پس از این اقدامات، وی که در ۵۳ سالگی از کلیسا بازنشسته شده بود و در دیراتیون<sup>۵</sup> در دهکده ساووی<sup>۱</sup> ساووی<sup>۱</sup> (در نواحی مرزی کاستیل - فرانسه) که اکنون مزار وی در آن واقع است، به سر می برد. (مینوی،

1. Nicholas of cusa.
2. Pope pious ii (Aeneas silivius).
3. Mandevile.
4. Rymond llull.
5. Aiton.

۷۸-۷۹؛ مان، ۱۸۴؛ موریلاس، ۲۸۰؛ هنری، همان؛ ولف، ۴۷، ۳۷، ۴۹؛ مدخل دائره المعارف کاتولیک) از فتح قسطنطنیه مطلع گردید. خووان حتی نگارش تاریخ شورای بال را نیمه کاره رها کرده. (ولف، ۱۷۴؛ برای آگاهی بیشتر دیگر آثار او نک: هربرمان: مدخل). دست به کار شد و نامه هایی را برای افرادی فرستاد. ظاهراً استاد مجتبی مینوی (مینوی، ۷۸-۷۹) نخستین و تنها کسی باشد که در زبان فارسی، در باب گیرندگان نامه های خووان مطالبی آورده است؛ اسامی گیرندگان نامه ها را به ترتیب: نیکولاس کوسایی، ژان ژرمن و پاپ پیوس دوم می داند. اما تحقیقات محققان غربی، به ویژه پژوهش بسیار مهم داریو کابانلاس<sup>۲</sup> به زبان اسپانیولی (نک: موریلاس، ۲۸۶، یادداشت، ۱۱) نشان می دهد که پیش از تمامی این افراد، خووان به کاردینالی به نام سروانتس که در جنوب اسپانیا و نواحی مرزی غرناطه مسلمان نشین اقامت داشت، نامه نگاشته است (نک: مینوی، همان؛ موریلاس، همان؛ ولف، ۱۷۴) خووان در نامه بسیار مفصلی، خطر ترکان را به سروانتس گوشزد کرد، اما از بدقابالی اش، سروانتس در همان سال ۸۵۷ ق. / ۱۴۵۳ م. درگذشت (ولف، ۱۷۶) و تلاش خووان برای همراه کردن این شخصیت مسیحی که با بقیه مسلمانان نیز درگیر بود، ناکام ماند.

دومین گیرنده نامه، نیکولاس کوسایی، کاردینال و فیلسوف آلمانی بود که در ۴۸ سالگی به مقام کاردینالی رسیده بود، (مینوی، ۸۰؛ اسپوزیتو، هنر "اسلام و"؛ احمدوند، ۴، همان) نامه خووان به نیکولاس بسیار مفصل (اما از نامه سروانتس کوتاهتر) و در حدود سی صفحه است. (ولف، همان) خووان در این نامه می خواهد که نیکولاس را متقاعد کند که باید میان پیروان دینی عیسی و دین محمد (ص) مجلس مباحثه و مناظره منعقد کرده و دو طرف را واداشت تا بر حقانیت دین خود حجت و برهان اقامه نمایند (مینوی، ۸۱) نیکولاس خلق و خویی نرمی داشت، تابع فلسفه افلاطونی بود و در هدف با خووان مشترک بود (مینوی، ۸۲؛ استرایر، ۱۲۲/۹-۱۲۵؛ اسپوزیتو، همان؛ احمدوند، همان). وی در هایلدبرگ<sup>۳</sup> تحصیل کرده و از دانشگاه بولونیا دکتری حقوق مدنی دریافت کرده، زبانهای لاتین، عربی، عبری و یونانی را می دانست؛ (استرایر، همان؛ همچنین با برخی پادشاهان روابط نزدیکی داشت، هربرمان: مدخل، همان). به گفته ولف (pp. 176-177) چنان که خووان در نامه اش به نیکولاس اشاره دارد، نیکولاس مدت های مدید به جمع آوری هر گونه کتاب و سند درباره اسلام و مسلمانان مشغول بود (مینوی، همانجا؛ دنیل، همان) وی در همان ایام کتابی نگاشته بود<sup>۴</sup> که در آن نمایندگان خیالی ادیان و مذاهب گوناگون، با یکدیگر به مباحثه و مکالمه پرداخته، در پی رسیدن به مغز حقیقت و وحدت بودند (مینوی، همان؛ واردنبرگ، ۷۳۵) با این مقدمه نیکولاس از طرح پیشنهادی خووان، کنترافرنسیا، استقبال کرد و حتی برای اجرایی شدن آن پیشنهاد

۱. ولف محل بازنشستگی و مزار او را در ده آپین (Alpine) می داند. (Wolf, 1)

2. Dario Cabanelas.

۳. شهری در آلمان.

4. De pacefidei.

کرد تجاری از قاهره، اسکندریه، یونان و ارمنستان به منظور اظهار افکار مسلمانان و مسیحیان، حضور یابند (مینوی، همانجا؛ واردنبرگ، همان) نیکولاس معتقد بود میانجی های مسیحی که به بلاد اسلامی فرستاده می شوند، بیشتر از شاهزادگان و امرا باشند، نه کشیشان و پادریان که ترکان ایشان را خوش نمی داشتند (مینوی، همانجا) نیکولاس سال بعد از وصول نامه خووان مشغول خواندن تمامی کتبی شد که پیش از او در باب اسلام و یا نقد و رد آن نوشته شده بود. او سرانجام به سال ۸۶۴ق. / ۱۴۶۰م. کتابی قابل به نام </z> غربال گذراندن قرآن<sup>۱</sup> نوشت (نک: ادامه نوشتار؛ مینوی، ۸۲ - ۸۳؛ هربرمان، ذیل؛ واردنبرگ، همان؛ احمدوند، همانجا)

سومین نفر ژان ژرمن اسقف شالن (مینوی، ۸۴؛ احمدوند، همانجا) و به گفته ولف، متکلم دربار دوک بورگندی<sup>۲</sup> و دارای روابطی نزدیک با شخص دوک بود (ولف، ۱۷۷) با آن که وی چندان به طرح کنفرانس و گفتگو علاقمند نبود، (مینوی، همانجا؛ احمدوند، همانجا) اما خووان که می دانست این شخصیت موثر در مورد اسلام اندیشیده و حتی دو اثر در این باب دارد (ولف، ۱۷۸)، از این رو به او نامه نوشت و اندیشه خویش را به او وانمود کرد (مینوی، همانجا؛ احمدوند، همانجا) ژان در پاسخ کوتاه خویش اذعان داشت که وی بیست سال قبل مانند خووان می اندیشیده است، اما اینک اقدامی نباید کرد و چیزی نباید گفت که تهیه و تدارک کشورهای اروپایی را بر نبرد صلیبی تازه ای به تاخیر اندازد و دچار رخوت و ضعف سازد (مینوی، ۸۵؛ ولف، ۱۸۰)، بی گمان دلیل مخالفت ژان با طرح خووان را باید در موفقیت های محدود فیلیپ نیکو<sup>۳</sup>، حاکم بورگندی در برابر مسلمانان دانست. هم از این رو بود که وی طرح خووان را مطابق با واقعیات نمی دید و تمام توان خویش را صرف متحد کردن مسیحیان، حول یک عقیده و حفظ هویت آنان در برابر مسلمانان می کرد (مینوی، ۸۵-۸۶)

چهارمین گیرنده نامه اینیاس سیلویوس ایتالیایی بود که در دوران تحصیل خویش جزو اومانیت ها و غرقه در مطالعات اومانیتی و فرهنگی به شمار می رفت و چون در ۸۶۲ق. / ۱۴۵۸م. با لقب پیوس {متمقی} دوم به مقام پاپی رسید، نیز به بشردوستی و احترام به حیثیت انسانی شهره بود. (مینوی، ۸۶؛ هربرمان، ج ۷، مدخل "پاپ پیوس ۲"؛ واردنبرگ، همان؛ اسعدی، ۹۶)

خووان در آخرین ماه زندگی خویش نامه ای به پاپ نوشت و آراء خویش را طی رساله ای به نظر وی رساند (مینوی، همانجا؛ واردنبرگ، همانجا؛ اسعدی، ۹۶-۹۷)؛ در این نامه خووان ضمن تجلیل از پاپ و خطبه های موثر و گیرایش که وی در جوانی آنها را شنیده بود (مینوی، همانجا) اخطار و تحذیر انجیل را که نمی توان بیست هزار تن را با ده هزار تن مغلوب کرد، به یاد پاپ آورده، از کثرت تعداد مسلمانان سخن گفت (مینوی، ۸۷) ظاهراً پاپ که هدف اساسی اش آزادی اروپا از دست ترکان به شمار می رفت و حتی در

<sup>1</sup> - *Cribratio Al Corani*.

<sup>2</sup> .Burgundy.

<sup>3</sup> .Phillip the good.

۱۴۵۹ق. / ۱۶۳۳م. در کنگره ای برای مقابله با ترکان از سران اروپا دعوت کرده بود (هربرمان، ج ۷، ذیل : "پاپ پیوس ۲") جوابی لا و نعم به آن مریض محض نداد، در عوض نامه ای به سلطان محمد فاتح نوشت؛ این نامه که مکرراً در سالگرد فتح قسطنطنیه به چاپ رسیده است، (مینوی، ۸۷؛ کروز، همان؛ احمدوند، همانجا) در نوع خود بسیار فصیح و سرشار از مهارت در استدلال و حکمت است (همانجا) پاپ در این نامه ابتدا شرحی از توان ملل گوناگون مسیحی را عرضه می کند، آنگاه به سلطان یادآوری می کند، شما نباید از پیروزی های اخیر خود مغرور شوید، در عوض اگر مسیحی شوید و غسل تعمید بگیرید، هیچ پادشاه یا امیری در جهان به قدرت شما نمی رسد (همانجا) البته پاپ خود می داند که این سخنان چندانی در سلطان تأثیر نمی کند، از این رو در ادامه می نویسد، شاید شما نمی خواهید دین خود را ترک کنید و عیسوی شوید، ولی دقت کنید و ببینید چه اندازه، موافقت میان اسلام و مسیحیت وجود دارد. (مینوی، ۸۸؛ کروز، همان)؛ آنگاه به گمان خود به ذکر مشابهت های این دو دین، یعنی اعتقاد به خدای واحد خلاق عالم، ضروری بودن دین و ایمان، اعتقاد به زندگی اخروی و اجر و جزای دنیای دیگر، اعتقاد به جاودانگی روح و پذیرش تورات و انجیل از سوی مسلمانان و مسیحیان می پردازد (همانجا)؛ البته پاپ باز به شیوه جدلی اسلام را دینی مخالف استدلال می داند (مینوی، ۸۸ - ۸۹؛ کروز، همانجا). ناگفته پیداست که نه این سخنان پاپ در سلطان تأثیری گذارد و نه اقدامات ژان ژرمن تا مدت ها توانست جلوی پیشروی عثمانی ها را بگیرد، حتی میان این چهار تن (جز تا حدی خووان و نیکولاس کوسایی) نیز عملاً توافقی حاصل نشد (سعید، همان) و واقعیات سیاسی زمان، الگوی خووان و نیکولاس را برای حل مسأله اسلام و عثمانی ها ناکام گذارد (واردنبرگ، همان: ۷۳) در عوض، این نوع اقدامات در مطالعه منطقی تر اسلام و قرآن کریم تا حدود زیادی موثر افتاد (نک: اسعدی، ۹۷ - ۹۸).

#### ۴- مطالعات قرآنی غربیان

در نخستین گام های غربیان در مطالعات قرآن به دو نام تأثیرگذار در دوره های بعدی برمی خوریم که تا سده نهم هجری/ پانزدهم میلادی حتی گاه در دوره های بعد، قرآن شناسی پرمجاده و مناقشه ای را در غرب بنیان نهادند؛ یوحنا دمشقی که آغازگر این مسیر بود (اسعدی، ۵۹ - ۶۲؛ هنری، ۱۲؛ احمدوند، ۳) و پیتر محترم که باعث و بانی پیدایی مجموعه کلونیایی<sup>۱</sup>، (همان، ۱۳؛ احمدوند، همانجا؛ اسعدی، ۶۵ - ۶۷) و حامی نخستین ترجمه لاتینی قرآن کریم توسط رابرت کتونی بود (برمان، ۱۸۹؛ پیرسن، ۶؛ اسعدی، ۶۶) البته امروزه محققان نشان داده اند که ترجمه رابرت بسیار مغلوپ و تلخیصی از اغراض، نیات سوء و نظرگاه های خاص است. (پیرسن، همانجا؛ اسعدی، ۷۵؛ برای آگاهی بیشتر درباره خطاهای رابرت، نک: دنیل 78-79, 97, 165, 366, 42, 43, 57) به هر حال بنا بر استقصای محققان، این ترجمه اساس ترجمه های دیگر اروپایی گردید و متأسفانه بسیاری از نادرستی ها را نسبت به قرآن در غرب سامان داد (پیرسن،

<sup>1</sup> Cluniac corpus.

۷؛ اسعدی، همانجا) به گفته نورمن دانیل، (دنیل، ۲۹۱) "در قرون وسطی قرآن شناخت غربیان به صورتی پرداخته و عرضه می شد که مسیحیان را علیه اسلام متقاعد کند و هر چه این تصاویر عجیب و غریب تر بودند، بهتر بود." از نظر دانیل این اشکال به واسطه فاصله بیشتر نویسندگان مسیحی و عموم مردم از مرزهای اسلامی بروز می کرد، با این همه تمایل بسیار اندکی نیز وجود داشت که آنچه را مسلمانان در باب اعتقاد خویش می گفتند، مسیحیان واقعاً به عنوان اعتقادات آنان بپذیرند (همانجا) اما باز با این احوال، در اثر همین نوع اقدامات نیز مسیحیان طی جنگ های صلیبی و قرون بعد، از حالت عدم اطلاع و تماس بسیار اندک خارج و به مرحله آگاهی های اندک و درعین حال نادرست نزدیک شدند (واردنبرگ، ۱۵۰)

## ۵- اقدامات قرآن پژوهانه غربیان در سده پانزدهم<sup>۱</sup>

### ۵-۱- خنوان سگوویایی

#### ۵-۱-۱- نقد ترجمه رابرت کتونی

چنان که اشاره شد، ترجمه رابرت کتونی نخستین ترجمه لاتینی قرآن کریم به شمار می رود، اما امروزه بسیاری از محققان بر خطاهای این ترجمه و ترجمه های پس از آن آگاه شده اند. (برمان، ۷۰۶؛ ۱۸۹؛ احمدوند، ۴) با این حال کمتر کسی می داند نخستین فردی که همگان را متوجه اشکالات ترجمه رابرت کرد و عملاً به نقد آن ترجمه پرداخت، خنوان سگوویایی بود. (برمان، همان) خنوان دارای تمامی ویژگی هایی که پیش از این آوردیم، در مقدمه ترجمه خویش، که اکنون باقی است (برمان، ۷۰۵، یادداشت ۱۷، اذعان می دارد رابرت مفاهیم روشن واژه ها را وانهاد به ارایه ترجمه هایی مبهم و الهی گونه! از واژه ها اصرار ورزیده است (برمان، همان؛ همو، ۱۹۹) از نظر او، رابرت حتی معانی اصطلاحات قرآنی را به ناحق تغییر داده است، (برمان، همان) از این رو اساساً ترجمه او مناسب نیست (نک: دنیل، ۳۶۶، ۱۶۵، ۹۷، ۷۹-۷۸، ۵۷، ۴۳-۴۲؛ ولف، ۱۹۹؛ پیرسن، ۶؛ احمدوند، ۴؛ اسعدی، ۷۵).

#### ۵-۱-۲- ترجمه قرآن به اسپانیولی (کاستیلی)

خنوان با توجه دادن به اشکالات فاحش ترجمه رابرت در واقع زمینه را برای ارایه ترجمه ای تازه و فارغ از آن خطاها فراهم می آورد. متأسفانه این ترجمه مفقود شده و تنها بنا بر مقدمه لاتینی آن (موجود در واتیکان Ms. Lat, 2923) می توان به وجود آن پی برد (مینوی، ۷۹؛ موریلاس، ۲۸۰؛ هنری، ۱۷). خنوان پس از مدت ها جستجو در اسپانیای مملو از فضای مدجّان<sup>۲</sup> و عربی دانان (موریلاس، همان، ۲۷۸) فقیه و قاضی مسلمانان مدجّن سگوویا را به نام عیسی بن جابر<sup>۳</sup> در ازای پرداخت دستمزد به خدمت گرفت

<sup>۱</sup> با توجه به این که عمده مطالعات قرآنی منصفانه ترین سده از سوی خنوان سگوویایی و نیکولاس کوسایی و در اثر طرح کنترافرنسیا صورت گرفته است، در این بخش تنها به اطلاعات این دو تن که در نوع خود نیز قابل ملاحظه است، می پردازیم. و از طرح اقدامات دیگر در می گذریم.

<sup>۲</sup> ساکنان = مسلمانانی که پس از غلبه مسیحیان همچنان به زندگی در اسپانیا ادامه دادند.

<sup>۳</sup> در متون اسپانیولی

(مینوی، همان؛ موریلاس، همان، ۲۸۰) عیسی که با همراهانی چند به نزد خووان در دهکده ساووی آمده بود، کاملاً به شیوه مسلمانی زندگی می کرد؛ او مشروب نمی خورد و در غذا خوردن نیز از غذاهای حلال استفاده می نمود (ولف، ۱۸۲-۱۸۳). این مترجم گمنام قرآن کریم با جدیتی تمام ظرف مدت چهار ماه، ترجمه ای اسپانیولی از روی نص عربی قرآن کریم فراهم آورد (۸۶۰ق. / ۱۴۵۶م). (موریلاس، همان، ۲۸۰؛ ولف، ۱۸۸). البته خووان اصرار داشت عیسی مدت بیشتری را نزد وی بگذراند و در حک و اصلاح این ترجمه و نیز تقویت عربی دانی، وی را مدد رساند اما عیسی که تازه ازدواج کرده بود، عجله داشت زودتر نزد همسر خویش به سگوویا بازگردد (ولف، همان)، با این حال خووان که ناگزیر به همین حد راضی شده بود، دست از کار نکشید و خود ترجمه اسپانیولی را به لاتینی نیز ترجمه کرد و بدین ترتیب با صرف توان علمی و نفقه، قرآنی سه زبانه را فراهم آورد (موریلاس، همان؛ ولف، همان).

بی گمان به دلیل آن که این ترجمه اساساً به وسیله عالمی مسلمان و عربی دان صورت گرفت و خووان خود از روی ترجمه عیسی بن جابر، به ترجمه لاتینی آن دست یافت، فاقد بسیاری از نادرستی ها و خطاهای ترجمه های قبل بود و می توانست منبعی اصیل تر در شناخت غربیان از قرآن کریم باشد؛ بویژه آن که خووان قصد داشت با این ترجمه مناظره مسلمانان و مسیحیان را به مسایل اساسی بکشاند و روشن سازد که آیا قرآن واقعاً کلام خداست یا خیر؟ (مینوی، ۷۹ - ۸۰؛ موریلاس؛ همان)، ظاهراً خووان تا حدی نیز در ایجاد یک حرکت علمی منصفانه تر در باب قرآن توفیقاتی کسب کرد، زیرا بنابر اذعان خودش، عیسی یک نسخه از ترجمه اسپانیولی را همراه خویش برده (موریلاس، همان) و حتی به نظر برخی محققان، ترجمه اسپانیایی دیگری (۱۶۰۶م) (موجود در کتابخانه عمومی پروویسال تولدو<sup>۱</sup>) و ترجمه ای از قرآن کریم به الخمیادو<sup>۲</sup> (۱۶۰۶م)، از روی ترجمه عیسی - خووان صورت گرفته است (موریلاس، همان، ۲۸۰-۲۸۲ .. موریلاس)، محقق اسپانیایی با بررسی و طبقه بندی دقیق تمامی ترجمه های اسپانیایی و الخمیادوی قرآن کریم، طی قرون بعد، بدرستی تاثیر ترجمه قرآن کریم عیسی - خووان را نشان داد (همو، ۲۶۵-۲۷۰). اما متأسفانه مفقود شدن بسیاری از آنها و حتی خود ترجمه های عیسی - خووان (جز مقدمه) راه را بر تاثیرات جدی آن در سده هجدهم به بعد بست.

### ۵-۱-۳- آرا و مطالعات قرآنی

بدیهی است وجود روحیه مسالمت آمیز خووان و روش او در گفتگوی میان مسلمانان و مسیحیان، نوع تصویری متفاوت را برای او رقم می زد؛ با این همه کاردینال بودن وی و تلاش برای تبلیغ مذهبی مسیحیت و مسیحی ساختن مسلمانان، مانع درک درست و کامل او از قرآن می گردید (نک: ولف، ۲۲). از این رو حتی نگارش تکذیبیه ای را بر ضد قرآن به خووان نسبت داده اند (هربرمان، جلد ۷ ذیل). بنابراین

1 -Biblioteca publica provincial.

<sup>۲</sup> نوشتن زبان اسپانیولی به خط عربی.

تناقضاتی آشکار در میان آرا و نظرات وی نسبت به قرآن کریم به چشم می خورد، هر چند با وجود این، باز در نظرات وی انصاف عمل بیشتری را می توان دید. نخست باید در نظر داشت بنای خووان در مطالعات قرآنی بر آن است که از بحث در مسایلی به زعم او فرعی، چون رفتار، روش و اخلاق شخصی پیامبر دست بردارد و این موضوع را روشن سازد که آیا قرآن واقعاً کلام خداست یا خیر؟ (موریلاس، ۲۸۰). خووان گمان می برد اگر از روی تعمق و دقت به بررسی قرآن پردازد، تناقضات و خلط و خبط آنرا آشکار کرده، لابد روشن می سازد چند نفر در تحریر و تألیف آن دخالت داشته اند (مینوی، همان). هدف دیگر خووان نشان دادن خشکی قوانین قرآن<sup>۱</sup> و موضع نادرست آن در باب مسیح، مسیحیت و مسیحیان است. (ولف، ۲۰۵، ۱۹۴). این نوع نگاه خووان نشان از عمق روش مجادله ای وی در قرآن شناخت تواند بود، اما بی تردید در شناخت او از قرآن و مطالعات وی در آن (نسبت به اسلاف)، تفاوت هایی بارزتر نیز به چشم می خورد. مثلاً وی تقسیم مجدد قرآن کریم را بوسیله رابرت کتونی به بیش از ۱۱۴ سوره نادرست شمرده، اقدام او را در جابجایی آیات آغازین سور با آیات پایانی آنها کاری اشتباه می خواند (برمان، ۷۰۵؛ همو، ۱۹۹). همچنین با آن که خووان اذعان دارد غلبه مسلمانان بر اثر تعداد زیادشان است و آنان را مردمانی خشن و شهوتران توصیف می کند؟! تأکید می ورزد این اخلاق ریشه در روش زندگی مسلمانان دارد و توصیه قرآن نیست (ولف، ۱۹۱-۱۹۲). حتی خووان بر خلاف بسیاری از متفکران مسیحی معاصر و قبل از خود، از آرای مسلمانان در باب معجزه بودن قرآن کریم مطلع است (همو، ۱۹۳) و آن را دارای متونی الهامی و حاوی ارزش های اخلاقی می داند که فصاحت و بلاغتی والا دارد (همو، ۱۹۴).

## ۵-۲- نیکولاس کوسایی

نیکولاس در کتاب *از غربال گذراندن قرآن* (تقدیمی به پاپ پیوس دوم و تجلیل از اقدامات پیتر محترم) که اکنون بخش هایی از آن به دست ما رسیده و منتشر شده است (مجموعه رسائل و آثار او به طور کامل یا ناقص مکرراً چاپ شده است که کهن ترین آنها چاپ ۱۵۱۴ پاریس و ۱۵۶۵ بال است. *De Pace Fidei and) cribratio Alkonani, by, J. Hopkins; Cotholic Encyclopedia, xI, Nicholas (of Cusa*) به بررسی منظم مطالب قرآن از لحاظ تاریخی، لسانی و ادبی، به نحوی که خووان سگوییایی در طرح خویش پیشنهاد کرده، پرداخته است. (مینوی، ۸۳؛ قس، هاپکینز، ۹۶۶) چنان که عناصر مختلفی را که قرآن از آنها مرکب است، از هم جدا کرده، به زعم خویش آنها را به سه دسته: ۱- مطالب مأخوذ از مسیحیت نسطوری ۲- موضوعات ضد مسیحی که به گمان وی از یهودیان مکه و مدینه اخذ شده است ۳- تحریفات پس از رحلت پیامبر تقسیم می کند (مینوی، ۸۳؛ نک: هاپکینز، ۹۷۱؛ واردنبرگ، ۱۴۹؛ برمان، ۲۰۴) البته به گفته مینوی، امروزه مطالب وی آنقدر سخیف است که حتی ارزش پاسخ دادن هم ندارد (

1- Burmad, tafsir.....n, 705? Idem , polimic.....,199).

مینوی، همانجا؛ نک: هاپکینز، همانجا)، اما به هر حال روش کار او در محدود کردن مطالب اختلافی و تعریف آنها قابل توجه است (مینوی، همانجا؛ اسپوزیتو، ۱۹۹۵: هنر "اسلام و"؛ احمدوند، همانجا)

نیکولاس نیز مانند خووان از بحث فلسفی دست کشیده و چون قرآن را سندی تلقی کرده است که از روی ایمان صحیح و عقیده صمیم انشا شده و دارای ممیزات خاص خود است (مینوی، همان)، کوشیده از روی خود این کتاب موارد اختلاف میان اسلام و مسیحیت را کشف کند (مینوی، همانجا؛ واردنبرگ، همانجا). از نظر نیکولاس این اختلاف در واقع امری نسبتاً جزئی یعنی در چگونگی وحدت لاهوت با ناسوت یا وحدت ذات الهی با طبیعت انسانی عیسی رخ داده است (مینوی، ۸۴؛ واردنبرگ، ۷۳۵) دست آخر اینکه نیکولاس کوسایی نیز همچون خووان سگوییایی، در کتاب *از غربال گذراندن قرآن*، به ارایه یادداشت هایی در باب ترجمه لاتینی رابرت کتونی از قرآن کریم و اصلاح برخی خطاهای آن دست یازیده است. (برمان ۱۹۷، ۱۹۸).

## نتایج مقاله

به رغم اشارات و سفارش های وحدت آفرین قرآن کریم، روابط مسلمانان و مسیحیان از آغاز (به ویژه قرون وسطی) دشمنانه و خصمانه بوده است؛ با این همه در سده پانزدهم میلادی که دوران اوج حملات عثمانی ها به اروپاست، برخی متفکران و دانشمندان مسیحی، برخلاف اکثریتی دیگر که در پی احیای جنگهای صلیبی بودند، در پی طرح ریزی کنترافرنسیا {کنفرانس صلح میان مسلمانان و مسیحیان} بر آمدند. البته واقعیات سیاسی موجود، زمینه رواج همه جانبه این طرح را فراهم نساخت، با این حال تلاشهای صورت گرفته برای گفتگوی مسلمانان و مسیحیان، نخستین گام انتقاد علمی تر و منصفانه متن قرآن (نسبت به قرون گذشته) و رایه ترجمه هایی دقیق تر را از قرآن کریم فراهم آورد؛ گامی که حلقه‌ای مهم در زنجیره پژوهش های غربیان در این زمینه به شمار می‌رود.

## کتابشناسی

### قرآن کریم

- ۱- احمدوند، عباس، «گزارشی کوتاه از چاپ و نشر قرآن کریم در غرب»، مجله آینه پژوهش، شماره ۶۹، ۱۳۸۰ش.
- ۲- اسعدی، مرتضی، «یوحنا دمشقی و آغاز مجادلات کلامی میان اسلام و مسیحیت»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۵۹ - ۱۳۷۵، ۶۰ش.
- ۳- همو، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان، از آغاز تا شورای دوم واتیکان، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۸۱ش / ۱۹۶۵م.
- ۴- ج. د. پیرسن، «ترجمه‌های موجود قرآن کریم به زبانهای گوناگون»، ترجمه هوشنگ اعلم، مجله تحقیقات اسلامی، سال اول، شماره ۲، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۶۵ - ۱۳۶۶ش.
- ۵- مینوی، مجتبی، «اسلام از دریچه چشم مسیحیان»، مجموعه مقالات تاریخ و فرهنگ، تهران: انتشارات، خوارزمی، ۱۳۶۹ش.

7- Goffman, Daniel, *The ottoman Empire and Modern Europe*, Cambridge university press, 2004.

8- Hopkins, Jasper. *Nicholas of cusas de pace Fidei and Cribration Alkoyani: Translation and Analysis*, The Arthur J. Banning press, Minneapolis, 1997.

9 - Henry, Jenn. "Patterns of cross – cultural Tolerance and Intoleranc in Medieval christion Depictions of Islam, Muslims, and Mohammad", *Macalester Islam Journal*, vol 1, Issue 1, 2006.

10- Morillas, Consuelo Lopez – "Lost and Found? Of Segovia and The Qura'n among the Mudejars and Moriscos", *Jornal of Islamic studies*, 10. 3 (1999), pp. 277 – 292.

11- \_\_\_\_\_ "The Genealogy of the Spanish Quran", *Jornal of Islamic studies*, 17: 3, 2006, pp. 255 – 294.

12- Norman, Daniel, *Islam and the west, the making of an Image*, oneworld, oxford, 1997.

13- R. Blanks, David, 'weterm views of Islam in the premodern period: A Brief History of past Approches' , in *western views of Islam in Medieval and Early*

*Modern Europe , Preception of other* , edited by David R. Blanks and Michael Frasseto , st .Martins press, Newyork, 1999.

14- R. Strayer, Joseph. *Dictionary of the middle Ages*, Charles scribner's sons, Newyork, 1987.

15- Said, Edward. *Orientalism*, Penguin, Londen, 1977.

16- *Encyclopeadia of Islam*, 2<sup>nd</sup> edition, E. J. Brill, Leiden, 1960 – 2002.

17- Waardenburg, Jacques. *Muslims and Others, Relation in content*, Walter de Gruyter, Berlin – Newyork, 2003.

18- D. Mann, Jesse. “The Devilish pope: Eugenius IV as Lucifer in the later woks of Juan de Segovia”, *church History*, Jun 1996, 65, 2, pp. 184 – 196.

19- Cruz, Jo Ann Hoppner Moran. ‘popular attitudes Towards Islam in Medieval Europe’ , in *western views of Islam in Medieval and Early Modern Europe , Preception of other* , edited by David R. Blanks and Michael Frasseto , st. Martins press, Newyork, 1999.

20- Turnbull, Stephen. *The ottoman Empire (1326 – 1699)*, Routledge, Newyork and London.2003

21- Esposito, John I. (editor). *The oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World*, Oxford university press, 1995.

22- G. Herbermann, Charles. *The Catholic Encyclopeadia*, edited. ET el, The Encyclopeadia press, Inc, Newyork, 1997.

23- E.Burman, Thomas. *Tafsir and Translation: Traditional Arabic Qur'an Exegesis and the latin Qur'ans of Robert of Ketton and Maru of Toledo*, Speculum, 73 (1998), pp. 703 – 732.

24- \_\_\_\_\_, ‘Polimic, Philology, and Abivalence: Reading the Quran in Latin Christendom’, *Jornal of Islamic studies*, 15:2, (2007), pp. 181 – 209.

25- Wolf, Anne Marie.2003. *Juan de Segovia and western perspectives in the fifteen century*, ph. D Dissertation, Thew University of Minnesota.